

دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيری های عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابله با انقلاب اسلامي

دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيری های عرب تبار يهودي
الاصل داعش، در مقابله با انقلاب اسلامي

أ. محمد رحيم افضل/ افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين، والصلوة والسلام علي نبينا محمد وآله الطاهرين وعلي جميع الائمة المعصومين
و علي الاوصياء العارفين وعلي العلماء العاملين وعلي الفقهاء المجاهدين اما بعد قال الله تبارك و
تعالى في القرآن المبين

بسم الله الرحمن الرحيم»

فاعتبروا يا اولاء ابصار

جناب رئيس، هيئت محترم، حضار گرامی خواهران و برادران سلام عليكم و رحمت الله و بركاته.

محترماً: اجازه بفرمائید مختصراً مطلبی پیرامون، (دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان
سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيری های عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابله با انقلاب
اسلامي) با شما صحبت نمایم.

اما قبل از هرچیز، شایسته و سزاوار میدانم یاد امام راحل رهبرکبیرو فرزانه انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی را گرامی داشته و درود بی پایان خویش را بر روان آن عارف شب زنده دار، متوکل به خدا، مطمئن به عنایات الهی و همکاری مردم بفرستم.

و از دین باوری عمیق و ژرف ولی امر مسلمین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نسبت به اسلام، ولایت، و وحدت امت اسلامی نه تنها باید آموخت که تشکر و قدر دانی نمایم، که مجمع تقریب مذاهب اسلامی را در راستای هدف بلند امام راحل مدیریت و رهبری نموده تا بادرک او لویت های زمانی و مکانی اسلام و مسلمین در رابطه با سرنوشت آنها به صحبت نشسته و بستری برای بیداری انسانها و تحقق اسلام و ظهور حضرت حجت ابن الحسن العسکری (ع) تدارک دیده و آماده سازی می کنند.

حضارمحترم:

بحران و چالش و شکست در اردو گاه قدرتهای بزرگ بین المللی به معنی حقیقی کلمه زمانی رقم زده شد که پیر مردی از تبار ابراهیم تبر بدوش، راه مستقیم و هدایت را نه تنها در تدبیر و اندیشه که در رفتن بطرف جهان فراتر از جهان قدرتهای بزرگ جهانی ترسیم و توصیه نمودندو چه زیبا فرمودند که: ملت آمریکا کم کم بیدار می شوند و خواهد شد.....

همچنانیکه رهبر فرزانه انقلاب و ولی امر مسلمین با رهنمودهای خرد مندانه و تلاش توام با امید صحبت از آگاهی جوانان و متفکرین و اندیشمندان جهان بخصوص اروپا و غرب را عنوان نموده که اگر چنانچه خوب و دقیق مدیریت شود مطمئناً اثراتی را در اقصی نقاط جهان در پی خواهد داشت.

در روشنایی بیان زیبا و قاطع ولی امر مسلمین اعلام می نمایم: که دشمنان اسلام با استفاده از تحجر و تعصب توام با حسادت نسبت به اسلام محمدی (ص) وسیره رسول الله در تبانی با صهیو نیزم بین المللی و پس مانده های کینه توز وحسود شجره خبیثه و تکفیری های مرتبط با یهود، نسبت به خاندان عصمت و طهارت زیر نام اسلام چهره پنهان نموده است تا جلو جهانی شدن اسلام و انقلاب اسلامی را گرفته و مسلمانان را بد نام کنند

برادران و خواهران:

اندیشه اسلام زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عملیاتی نمودن راهکارهای علیه اسلام مبتنی بر کتاب الله و عقل گره خوره به خاندان عصمت و طهارت و بیداری امت اسلامی، پدیده دور از توقع نبوده است واگر چنانچه کسانی فکر کرده و یا می کنند که دشمنان اسلام نبوی و انقلابی دست روی دست می گذارند

وتوطه نمي‌کنند، بايد بدانند که دشمنان اسلام در اين عصر و زمان به نسبت هر زمان و عصر ديگر نه تنها فعال‌تر شده‌اند که تمامي تلاش و توطئه خود را با شبکه‌هاي صهيونستي عربي و غير عربي در دشمني با اسلام محمدي به همکاري قدرتهاي بزرگ و شبکه‌هاي مافيايي و استخباراتي دولت‌هاي وابسته به استکبار جهاني در راستاي مخالفت با انقلاب اسلامي بکار انداخته تا جلو رشد و گسترش انقلاب اسلامي و اسلام محمدي را بگيرند.

اينکه چرا کشورهاي اسلامي را در اولويت قرار داده و زير نظر گرفته و نطفه گذاري نموده و اقدام به ايجاد گروه‌هاي سياسي نظامي فرهنگي، اقتصادي و استخباراتي مي‌نمايند براي اين است که زمينه نفوذ شبکه‌هاي عربي تبار يهودي الاصل و صهيونستي در کشورهاي اسلامي مؤثرتر از کشورهاي ديگرا عمل مي‌کنند.

از طرف ديگر ريشه اصلي مخالفت شبکه‌هاي فوق‌الذکر گره خورده به کساني ايست که نه تنها با رسولخدا که پس از رسول خدا در مخالفت با اسلام محمدي و خاندان پيامبر و اهلبيت او و مدافعان آنها مرتبط است. ساختارهاي اطلاعاتي و اقتصادي کشورهاي عربي و عربيهاي يهودي تبار مرتبط با صهيونيزم بين المللي از سالها به اين طرف است که مسلمين را مورد هجمه قرار داده و براي نابودي و بدنام کردن آنها و يا انحراف اسلام کار مي‌کنند. آنها نمي‌گذارند که اسلام آنگونه که بايد باشد به جهان نيان عرضه شود و اين اتفاقي است که از ابتدا اسلام پس از رسولخدا بر مسلمانان تحميل شده است.

رؤيا روي شدن ناشي از غفلت و شتاب زدگي آمريکا با انقلاب اسلامي و تشديد دشمني با جهاد برحق مجاهدين واقعي افغانستان فرصتي براي حسودان شجره خبيثه و يهودي‌هاي عرب تبارگريه خورده به گوساله پرستان سامري را بگونه سامان بخشیده است که هر روز غايله خلق مي‌کنند و مي‌کشند و چپاول مي‌کنند.

بي‌خبر از اينکه انقلاب اسلامي با توکل بخدا و رهبري آگاه و ملت معتقد به رهبري، چالش‌ها را تبديل به فرصت نموده و اسلام را بعنوان دين مبتني بر عقل و وحی وارد زندگي انسان متفکر و انديشمند نموده و چه بسي که فراتر از تفسير دنياي گذرا و دني که به تفسير آخرت جاويدانه و عالي پرداخته است.

واقعيت انقلاب اسلامي با تکیه بر اراده مردم و احترام به آراء آنها در رابطه با انتخاب جمهوري اسلامي فصل جديرا در رابطه با ديموکراسي مرتبط با اسلام ارائه نمود. ديموکراسي که براي تمامي متفکرين، سياسيون، انديشمندان، مبارزين و انقلابيون ملت‌ها راهي را باز کرد که به تدريج، خود اراديت توام با استقلال و آزادي مرتبط با ديموکراسي غرب را نه تنها به چالش کشيد که زير سؤال برد!

کار بجاي رسيد ه است که ديموکراسي غرب علماً در رابطه با افغانستان، مصر، عراق، يمن، ليبيا،

حتي خود آمريکا عملاً تبديل به دکتاتورې گرديده و بر ضد ديموکراسي عمل مي‌کند. اگر غير از اين بود چرا به انتخابات افغانستان و مصر و کشورهاي ديگر بهان داده و نمي‌دهند!

آمریکا از ابتدای امر وارد پروژه اسلام زدایی بر خواسته از توطئه صهیو نسیم عربي گرديد ه است و در این رابطه نه تنها اغفال گرديد که شتاب زده وارد ماجرا گرديده است.

جالب است که منادیان دموکراسي و آزادي بدون توجه به دست رسي انسان آگاه و مسئول به جهان آر تباطات و تکنولوژي اقدام به ایجاد و تقويت شبکه‌هاي استخباراتي، تمويل و تجهيز گروههاي افراطي و تکفيري همچون طالب و القاعده و داعش و گروه هاي انتحاري و دهشت افکن نموده است که هر روز به نوعي افشا گرديده و طرح و توطئه آنها بر ملأ مي‌گردد.

در حالیکه انقلاب اسلامي، با مخاطب فرار دادن متفکرين، اندیشمندان، صاحب نظران، انقلابيون جامعه بشري را نه تنها مخاطب ساخته که دعوت بحق و عدل و انصاف و آزادي و علم و حقوق شهروندی مي‌نماید مضافاً، مخالفت با تجر و جهل و خشونت و ترور و انتحار را وظيفه و ادای تکلیف هر مسلمان و انسان بخصوص متفکرين و صاحب خردان مي‌داند.

حقيقت غير قابل انکار و روبرشد انقلاب اسلامي در راستای دفاع و نجات انسان سر خورده از ستم و جهل و تجر و تجاوز و خشونت به همان اندازه روشن، شفاف، منطقي و طبيعي است که تحمل ناامني و تشديد دهشت افگني و تمويل تروريزم و شبکه‌هاي انتحاري گروههاي همچون طالبان و داعش و القاعده بر ملتهاست.

با توجه به نگاه محترم دکتر نادر ساعد در کتاب ائتلاف جهاني عليه تروريزم براي صلح عادلانه و انعکاس آن در مجمع بين المللي صلح جهاني ميني بر اينکه: (در مقابل دور نماي وحشت ناكي که براي بشريت در پيش است به عيان در مي‌يابيد که صلح تنها پیکاريست که ارزش در گير شدن را دارد)

این جانب عرض مي‌دارم که پیام انقلاب اسلامي و معتقد ين به اسلام به نسبت تمامی انسانها اعم از دوستان و دشمنان فراخوانيست که صلح را با نگاه بلند رسول گرامي اسلام و فر مايش ايشان مي‌شود ترسيم نمود و آن اينکه: هر چه براي خود مي‌پسنديد براي ديگران هم بپسنديد)

براستي اگر فرمايش رسول گرامي اسلام به نسبت انسانها عملي شود و هريك از انسانها آنچه را براي

خود روا می‌دارند برای دیگران هم روا بدارند در جامعه انسانی هیچ مشکلی نخواهد بود چه رسد به جنگ و خونریزی، این است که صلح در بستر صلح فقط بخاطر اهمیت صلح و امنیت ممکن می‌گردد. زیرا صلح و امنیت تنها بستری ایست که برای عموم مردم یکسان زمینه سازی می‌کند.

برادران وخواهرا

واقعیت موجود نشان می‌دهد که زمان زور گویی قدرتهای بزرگ بین المللی و سوء استفاده از ملل ضعیف و عقب افتاده همراه با تهدید و فشار و تجاوز و لشکر کشی به کشورهای ضعیف و یا تقسیم آنها، بین قدرتهای بزرگ و حمایت از دولت غاصب اسرائیل، همراه با بی عدالتی بعنوان حقیقت غیر قابل انکار از ملل عقب افتاده نه تنها تمام شده است که وحشت سران استکبار بین المللی بر خواسته از تحول مبتنی بر اسلام و آگاهی ملل جهان بخصوص متفکرین جهان غرب و اروپا به نسبت تشدید گروههای دهشت افکن تند رو و افراطی و هکذا تمویل شبکه‌های تروریسم، و انتحاری مرتبط با القاعده، طالب، داعش، سپاه صحابه، و ده‌ها نام دیگر در عراق، سوریه، یمن، لیبی، مصر، سودان، افغانستان، پاکستان و سایر کشورها، موقعیت و جایگاه قدرتهای بزرگ را نه تنها زیرسوال برده و به چالش کشیده است. که متفکرین و اندیشمندان جامعه بشری را که سر مایه‌های اصلی انسان در زمین‌اند، نسبت به اسلام و مسلمانان خوش بین نموده است.

با توجه به جایگاه و کرامت انسان متفکرو خدامحور دین مدار، در اسلام می‌توان گفت: که در هیچ یک از قوانین و یا مکتبی از مکاتب جهان حتی ادیان دیگر جایگاه انسان این گونه بیان نشده است که در اسلام و کلام خدا و ند تبارک و تعالی بیان شده است. قرآن می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون و پیامرش که حبیب خداست می‌فرمایند تفکر الساعته خیر من عباد التسبعین حسنه و یا تاکید فرموده‌اند: طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه و هم چنان فرموده‌اند: اطلب العلم من المهد الالحد و غیره، طبیعی ایست که اگر چنانچه فرصت تفکر پیرامون جایگاه انسان از نظر اسلام صورت بگیرد اسلام جهانی شده و بساط دشمنان اسلام و مسلمین چیده می‌شود

وچه زیباست که اسلام به صرف اینکه مطالعه شود کافی نبوده است که مستلزم عمل است. متأسفانه باید گفت: آنچه در جهان کنونی در حال شکل گرفتن است نه تنها بحث پند و عبرت گرفتن از اتفاقات و حوادث طبیعی و غیر طبیعی مربوطه سرنوشت انسانها نیست که تکرار مصیبت‌های وارده بر انسان رانده شده و اسیر در جغرافیا و قلمرو حاکمیت انسان‌های خود محور است

نشانه‌های تروریسم و دهشت افگنی گروه‌های افراطی و تندرو القاعده و داعش واقعیت جدید سیاست بین‌المللی ایست که در واکنش به جهاد ملت افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری امت اسلامی در جامعه بشری از طرف قدرت‌های بزرگ بواسطه افراد مذهبی و افراطی بنام اسلام شکل گرفته و سروسامان داده می‌شود. تا با عنوان کردن آنها از گسترش انقلاب اسلامی جلو گیری نموده باشند.

گذشته تروریسم نشان می‌دهد که (ریشه‌های اصلی تروریسم در جهان غرب شکل گرفته و در ادبیات جورج بوش و برخی از نظریه پردازان غربی بکار گرفته شده است. و گفته می‌شود: از سال 2001 به بعد محور اصلی ادبیات سیاسی رژیم صهیونستی، امریکا و بسیاری از کشورهای غربی بویژه فرانسه و انگلستان محسوب می‌شود.

یکی از واکنش‌های مهمی که آمریکا و قدرتهای همسو با آمریکا از خود نشان داد واکنش علیه جهاد و مجاهدین افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی بوده و هنوز هم است. اینکه تروریسم در گذشته چه مرحله‌ای را طی نموده است و سابقه آن به قرن 18 و جنگهای داخلی آمریکا بر می‌گردد و چه بسی که برای باز پس گیری قدرت سیاسی از دست رفته بصورت تشکیلات سازمانی در آمده و مورد استفاده قرار گرفته است.

لا کوثر بعنوان نظریه پرداز، در دوره های مختلف تروریسم را مورد بحث قرار داده می‌گوید: گفتمان اصلی تروریسم در قرن 19 و اوایل قرن 20 واکنش نسبت به بی عدالتی‌های اقتصادی سرمایه داری بوده است.

در روسیه هم گروههای تروریست اقدام به ترور مقامات سیاسی و نظامی بعنوان فدا کاری روی می‌آوردند. و در فرانسه پس از انقلاب در نتیجه رشد افکار و اندیشه های مارکسیستی سوسیالیستی به عنوان واکنش در برابر سرمایه داری بصورت گروههای انقلابی به ترور متصل می‌شدند. به هر صورت آنچه مهم است این است که تروریسم بر مرتبط با نیروی‌های طالب، القاعده، داعش و دهشت افگنی های گره خورده به انتحار و انفجار چیزی جز واکنش در رابطه با اسلام، جهاد، انقلاب اسلامی و بیداری امت اسلامی و متفکرین جامعه بشری نیست. حقیقت بر خورد غرب و آمریکا در بر خورد با انقلاب اسلامی چیزی جز تشدید، تمویل، تجهیز، و حمایت سیاسی نظامی و اقتصادی تروریسم نیست. آمریکا در تبانی با قدرتهای جهانی و بعضاً دولتهای همسو با آمریکا و اسرائیل انگلیس و عربستان سعودی گروههای تروریستی و دهشت افکن را زیر نام گروههای اسلامی سازمان دهی نموده تا اسلام را دین خشونت و مسلمانان را مردم خشن معرفی نموده و از گسترش و جهانی شدن انقلاب اسلامی جلو گیری نموده باشند. این درحالی ایست که انقلاب اسلامی را به انقلاب ارزشها تفسیر نموده‌اند. و می‌رود که انسان تهی از ارزش را یک بار دیگر عزت بخشید ه و دعوت

به اندیشه نماید اندیشه که مرزها و مغزها را در نوردیده و به نمایش می‌گذارد. نمایشی که فراتر از دیوار بتنی و سیم خار دار و شکنجه و تهدید و یا تطمیع کار برده دارد.

ورود در قلمرو آن نه تنها اجرائی مسئولیت است که ادای تکلیف است (علی کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة) فرموده است (وقفو هم مسئولون) است.

چگونه ممکن است دینی که نگاهش نسبت به انسان این گونه بلند و بالاست، به نسبت کشتن و یا کشتار فردی و یا دسته جمعی آنها آنهم توسط مسلمانان چون طالب و القاعده داعش وزیر مجموعه آنها گروه‌های افراطی بی تفاوت بوده اندیشه نکرده و یا دستور العملی صادر نکرده باشد!

وقتی به واقعیت انجام شده و یاد حال انجام رویدادهای، سیاسی، اجتماعی، نظامی و جغرافیایی در کشورها و جغرافیای جهان می‌نگری آیا هنوز هم فریاد (فاعتبروا یا اولالبصار) را به بلندای آسمان و پهنای زمین ندیده و نشنیده می‌پنداری و آیا فریاد (بای ذنب قتلت) را هنوز هم نادیده می‌نگری!

فریادی که امام راحل خمینی کبیر و بزرگ پیش از نیم قرن قبل از امروز نه تنها شنید و مشاهده نمود که عکس العمل نشان داده و شعار بزرگمرد چون سید جمال الدین الحسینی الافغانی را در راستای عملیاتی کردن کلمه التوحید به توحید الکهمه تا کید نموده و چه زیبا که صحبت از نجات مستضعفین می‌نماید.

او همچون جدش حسین ابن علی در برابر استبداد فریاد بر آورد تا، انسانرا از محاصره مرزها و مغزهای منجمد و میان خالی نجات بدهد و اجازه ندهد که حاکمان و زورگویان، انسان بزرگ و شریف را در استخدام خویش داشته و از دست آورد آنها سوء استفاده‌های مادی و معنوی نماید. زیرا خداوند انسانرا عزت و کرامتی بخشیده است که باید پدید آکند.

قرائت امام خمینی از حکومت اسلامی به عنوان ولایت فقیه، سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مغزها را متحول ساخته و مرزها را در نوردیده است.

هم چنانیکه امروز حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه کشورها را در نوردیده و مغزها را متحول ساخته دلها را تسخیر نموده است. و چه بسی که دانشمندان و متفکرین و صاحب نظران را در دفاع از خود ملزم به ادای تکلیف نموده تا موانع را بر دارند و زمینه را برای انقلاب به معنی واقعی کلمه اسلامی تدارک

این‌ها کسانی‌اند که حفظ، بقا و تداوم حکومت مبتنی بر اسلام را بعنوان رسالتی مثمر و پیگیر، بر دوش علمای عامل، عرفای کامل و فقهای عادل و روندگان راه او بخصوص پیش‌کسوتان مبارزو عاشقان اهل‌بیت و اسلام نبوی زیر‌قیادت رهبر و ولی‌امر مسلمین دامت برکاته می‌دانند. چیزیکه فهم آن برای بسیاری از سیاست‌مداران و زورگویان حتی آن‌هایی که اهل‌سیاست و دیانت است قابل‌درک نیست.

ولایت فقیه تنها تئوری و بهترین تئوری است که متناسب به زمان و مکان جریان حرکت جامعه بشری را تفسیر نموده و انسان را متناسب به وضع موجود در مسیر مطلوب به تربیت گرفته و سازندگی و توسعه را متناسب به اصول مبتنی بر اسلام و منافع اسلامی بیمه می‌کند.

دشمنان قسم خورده و کینه توز اسلام با حسادت از جایگاه اسلام وحسرت از موقعیت کاریز ماتیک وارثین حقیقی و عصایانیت ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به براندازی نظام، تخریب تئوری، تحریک صفوف و تضعیف اراده جمعی نموده و ابتدا به ساکن اسلام شریعت را، در برابر اسلام دیانت و ولایت عنوان نموده و به سربازگیری پرداخته و اقدام به تربیت و انسجام گروه‌های افراطی نموده‌اند.

در کنار سر باز‌گیری، حمایت از شبکه‌های مربوط به گروه‌های افراطی همچون طالبان و القاعده و داعش وزیر مجموعه گروه‌های افراطی و متحجرو تکفیری، انقلاب اسلامی را نشانه گرفته و مسلمانان حقیقی و مبارزین واقعی و انقلابیون مستقل مسلمان و روندگان طریقت خمینی را در ردیف گروه‌های ترورستی تبلیغ نموده و افغانستان و عراق و سوریه و یمن و مصر و لیبی و کشورهای اسلامی را پایگاه و حامی مخالفین انقلاب اسلامی قرار داده و ولانه گروه‌های دهشت افکن و انتحاری ساخته و تمویل و تجهیز می‌کنند. تا تئوری مرتبط به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه را ازدور خارج سازند.

اما اراده الهی جزء این نیست که از دین و دینداران و دین باوران و روندگان صالح و سالم حمایت کند، این وعده الهی است تا خلافت زمین را به مستضعفین صالحی بدهد که عدل و قسط را جاگیرین ظلم و نابرابری می‌نماید.

و چه نیکو خواهد بود که ما و نسل ما در عصر و زمانیکه هستیم مؤمن در راه و مخلص به عمل و صادق در گفتار و رونده قافله باشیم که مأموریت اجرایی و عملی آن گره خورده به وجود ثالاله پاک رسول‌خدا و ذریه ابراهیم خلیل است می‌باشد.

جناب رئیس:

اینجانب بعنوان عضو کوچک مجمع تقریب مذاهب اسلامی ضمن تقدیر از بر گذاری نماز جماعت مشترک بر پیشنهاد سال گذشته مبنی بر انتخاب هیئتی از اعضای مجمع تقریب مذاهب اسلامی به نمایندگی از جهان اسلام و فرستادن آنها درکشور های اروپایی و غربی و سایر بلاد دیگر این امکان میسر است که مجمع تقریب مذاهب اسلامی به نمایندگی از جهان اسلام بخصوص مجمع بزرگ تقریب مذاهب اسلامی، اقدام به رفع اتهامات نموده و آنچه را که ساخته و پرداخته دشمنان اسلام است و به اسلام که دین رحمت است نسبت داده و می‌دهند از دامن اسلام بزدایند. زیرا از شان اسلام که دین تمامی انبیا ء الهی است، بدور است. و برای پیروان ادیان الهی است که به نسبت اتهام‌های وارده بر دین انبیایشان، عکس العمل نشان داده بر تعهد و میثاقشان نسبت به پیامران شان وفا دار باشند.

این جانب فکر می‌کنم که اعزام هیئتی بدین منظور می‌تواند در راستای دومین نامه ولی امر مسلمین به جوانان غرب و اروپا مفید و مؤثر باشد. در پایا ضمن آرزوی توفیق شما از صبر و حوصله مندی همه شما متشکرم.

ولسلام و علیکم و رحمت ا و برکاته

محمد رحیم افضلی عضو مجمع تقریب مذاهب سلام

چکیده:

جناب رئیس، هیئت محترم، حضار گرامی خواهران و برادران سلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

محترماً: اجازه بفرمائید مختصراً مطلبی پیرامون، (دشمنان انبیای الهی: از گوساله پرستان سامری تا صهیونیسم بین المللی و تکفیری‌های عرب تبار یهودی الاصل داعش، در مقابله با انقلاب اسلامی) با شما صحبت نمایم.

اما قبل از هرچیز، شایسته و سزاوار میدانم یاد امام راحل رهبر کبیرو فرزانه انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی را گرامی داشته و درود بی پایان خویش را بر روان آن عارف شب زنده دار، متوکل به خدا، مطمئن به عنایات الهی و همکاری مردم بفرستم.

و از دین باوری عمیق و ژرف ولی امر مسلمین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نسبت به اسلام، ولایت، و وحدت امت اسلامی نه تنها باید آموخت که تشکر و قدر دانی نمایم، که مجمع تقریب مذاهب اسلامی را در راستای هدف بلند امام راحل مدیریت و رهبری نموده تا بادرک او لویت های زمانی و مکانی اسلام و مسلمین در رابطه با سرنوشت آنها به صحبت نشسته و بستری برای بیداری انسانها و تحقق اسلام و ظهور حضرت حجت ابن الحسن العسکری (ع) تدارک دیده و آماده سازی می‌کنند.

حضار محترم: جناب رئیس

بحران و چالش بوم با شکست در اردو گاه قدرتهای بزرگ بین المللی به معنی حقیقی کلمه زمانی رقم زده شد که پیر مردی از تبار ابراهیم تبر بدوش، صراط المستقیم هدایت را نه تنها در تدبیر و اندیشه که در رفتن بطرف جهان فراتر از جهان قدرتهای بزرگ جهانی ترسیم، توصیه و عمل نمودند و چه زیبا فرمودند که: ملت آمریکا کم کم بیدار می‌شوند و خواهد شد.....

همچنانیکه رهبر فرزانه انقلاب و ولی امر مسلمین با رهنمودهای خرد مندانه و تلاش توأم با امید صحبت از آگاهی جوانان و متفکرین و اندیشمندان جهان بخصوص اروپا و غرب را عنوان نموده که اگر چنانچه خوب و دقیق مدیریت شود مطمئناً اثراتی را در اقصی نقاط جهان بخصوص کشورهای اسلامی و متفکرین در پی خواهد داشت.

در روشنایی بیان زیبا و قاطع ولی امر مسلمین اعلام می‌نمایم: که دشمنان اسلام با استفاده از تجر و تعصب توأم با حسادت نسبت به اسلام محمدی (ص) وسیره رسول اﷺ در تبانی با صهیو نیزم بین المللی و پس مانده‌های کینه توز و حسود شجره خبیثه و تکفیری‌های مرتبط با یهود، نسبت به خاندان عصمت و طهارت زیر نام اسلام چهره پنهان نموده است تا جلو جهانی شدن اسلام و انقلاب اسلامی را گرفته و مسلمانان را بد نام کنند

یرادران و خواهران:

اندیشه اسلام زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه اسلام مبتنی بر کتاب اﷻ و عقل گره خوره به خاندان عصمت و طهارت و بیداری امت اسلامی، پدیده دور از توقع نبوده است و اگر چنانچه کسانی فکر کرده و یا می‌کنند که دشمنان اسلام نبوی و انقلابی دست روی دست می‌گذارند و توطئه نمی‌کنند، باید بدانند که دشمنان اسلام در این عصر و زمان به نسبت هر زمان و عصر دیگر نه تنها فعال‌تر شده‌اند که تمامی تلاش و توطئه خود را با شبکه‌های صهیونستی عربی و غیر عربی در دشمنی با اسلام محمدی به همکاری قدرتهای بزرگ و شبکه‌های مافیایی و استخباراتی دولت‌های وابسته به استکبار جهانی در راستای مخالفت با انقلاب اسلامی بکار انداخته تا جلو رشد و گسترش انقلاب اسلامی و اسلام محمدی را بگیرند.

ساختارهای سیاسی اطلاعاتی و اقتصادی کشورهای عربی و عربهای یهودی تبار مرتبط با صهیونیزم بین المللی از سالها به این طرف است که مسلمین ارادت مند به اهل بیت پیامبر خدا را مورد حمله قرار داده و برای نابودی و بدنام کردن آنها و یا انحراف اسلام ناب کار می‌کنند. آن‌ها نمی‌گذارند که اسلام آنگونه که باید باشد به جهانیان عرضه شود و این اتفاقی است که از ابتدا اسلام پس از رسول خدا بر مسلمانان تحمیل شده است.

رؤیا روی شدن ناشی از غفلت و شتاب زدگی آمریکا با انقلاب اسلامی و تشدید دشمنی با جهاد برحق مجاهدین واقعی افغانستان فرصتی برای حسودان شجره خبیثه و یهودی‌های عرب تبار گره خورده به گوساله پرستان سامری را بگونه سامان بخشیده است که هر روز غایله خلق می‌کنند و می‌کشند و چپاول می‌کنند.

بی‌خبر از اینکه انقلاب اسلامی با توکل بخدا و رهبری آگاه و ملت معتقد به رهبری، چالش‌ها را تبدیل به فرصت نموده و اسلام را بعنوان دین مبتنی بر عقل و وحی وارد زندگی انسان متفکر و اندیشمند نموده و چه بسی که فراتر از تفسیر دنیای گذرا و دنی که به تفسیر آخرت جاویدانه و عالی پرداخته است.

واقعیت انقلاب اسلامی با تکیه بر اراده مردم و احترام به آراء آنها در رابطه با انتخاب جمهوری

اسلامی فصل جدیرا در رابطه با دیموکراسی مرتبط با اسلام ارائه نمود. دیموکراسی که برای تمامی متفکرین، سیاسیون، اندیشمندان، مبارزین و انقلابیون ملت‌ها راهی را باز کرد که به تدریج، خود ارادیت توأم با استقلال و آزادی مرتبط با دموکراسی غرب را نه تنها به چالش کشید که زیر سؤال برد!

کار بجای رسید ه است که دیموکراسی غرب علماً در رابطه با افغانستان، مصر، عراق، یمن، لیبی، حتی خود آمریکا عملاً تبدیل به دکتاتوری گردیده و بر ضد دیموکراسی عمل می‌کند. اگر غیر از این بود چرا به انتخابات افغانستان و مصر و کشورهای دیگر بهانه داده و نمی‌دهند!

آمریکا از ابتدای امر وارد پروژه اسلام زدایی بر خواسته از توطئه صهیو نسیم غربی گردید ه است و در این رابطه نه تنها اغفال گردید که شتاب زده وارد ماجرا گردیده است.

در حالیکه انقلاب اسلامی، با مخاطب فرار دادن متفکرین، اندیشمندان، صاحب نظران، انقلابیون جامعه بشری را نه تنها مخاطب ساخته که دعوت بحق و عدل و انصاف و آزادی و علم و حقوق شهروندی می‌نماید مضافاً، مخالفت با تجر و جهل و خشونت و ترور و انتحار را وظیفه و ادای تکلیف هر مسلمان و انسان بخصوص متفکرین و صاحب خردان می‌داند.

..... با توجه به نگاه محترم دکتر نادر ساعد در کتاب ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه و انعکاس آن در مجمع بین المللی صلح جهانی مبنی بر اینکه: (در مقابل دور نمای وحشت ناکه که برای بشریت در پیش است به عیان در می‌یابید که صلح تنها پیکاریست که ارزش در گیر شدن را دارد)

این جانب عرض می‌دارم که پیام انقلاب اسلامی و معتقدین به اسلام به نسبت تمامی انسانها اعم از دوستان و دشمنان فراخوانیست که صلح را با نگاه بلند رسول گرامی اسلام و فرمایش ایشان می‌شود ترسیم نمود و آن اینکه: هر چه برای خود می‌پسندید برای دیگران هم بپسندید)

براستی تحقق فرمایش رسول گرامی اسلام به نسبت انسانها، رمز اصلی تحقق صلح است. صلحی که در بستر صلح فقط بخاطر اهمیت صلح و امنیت ممکن می‌گردد. زیرا صلح و امنیت تنها بستری ایست که برای عموم مردم یکسان زمینه سازی می‌کند.

گذشته تروریسم نشان می‌دهد که (ریشه‌های اصلی تروریسم در جهان غرب شکل گرفته و در ادبیات جورج بوش و برخی از نظریه پردازان غربی بکار گرفته شده است. و گفته می‌شود: از سال 2001 به بعد محور اصلی ادبیات سیاسی رژیم صهیونستی، آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی بویژه فرانسه و انگلستان محسوب می‌شود.)

یکی از واکنش‌های مهمی که آمریکا و قدرتهای همسو با آمریکا از خود نشان داد واکنش علیه جهاد و مجاهدین افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی بوده و هنوز هم است. جای گفتمان دارد....

به هرصورت آنچه مهم است این است که تروریسم مرتبط با نیروی‌های طالب، القاعده، داعش و دهشت افگنی‌های موجود واکنش مستقیم آمریکا و استکبار بین المللی در برخورد با انقلاب اسلامی و چیزی جز تشدید، تمویل، تجهیز و حمایت سیاسی نظامی و اقتصادی تروریسم نیست شکی وجود ندارد. اینکه آمریکا در تبانی با قدرتهای جهانی و بعضاً دولتهای همسو با آمریکا و اسرائیل انگلیس و عربستان سعودی گروه‌های تروریستی و دهشت افگن را زیر نام گروه‌های اسلامی سازمان دهی نموده است واضح است. آنچه مهم است این است که آنها از واقعیت گسترش و جهانی شدن انقلاب اسلامی در هراس‌اند. آن‌ها می‌دانند که انقلاب اسلامی به انقلاب ارزشها مشهور است. و می‌رود که انسان تهی از ارزش را یک بار دیگر عزت بخشید و دعوت به اندیشه نماید. اندیشه که مرزها و مغزها را در نور دیده و به نمایش می‌گذارد. نمایشی که فراتر از دیوار بتنی و سیم خار دار و شکنجه و تهدید و یا تطمیع و بمب و کشتار کار بردی دارد.

ورود در قلمرو آن نه تنها اجرای مسئولیت است که ادای تکلیف است (علی کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیت) فرموده است (وقفو هم مسئولون) است.

وقتی به واقعیت انجام شده و یادر حال انجام رویدادهای، سیاسی، اجتماعی، نظامی و جغرافیایی مرتبطه به اسلام و اندیشه اسلامی می‌نگرند فریاد (فاعتبرو یا اولالبصار) را به بلندای آسمان و پهنای زمین شنیده و می‌نگرند که اسلام بعنوان نجات انسان نه تنها بهترین عرضه کننده راه نجات انسان در زمین است که فریاد (بای ذنب قتل) را به بلندای آسمان عرضه می‌دارد.

فریادی که امام راحل خمینی کبیر و بزرگ پیش از نیم قرن قبل از امروز نه تنها شنید و مشاهده نمود که عکس العمل نشان داده و شعار بزرگمرد چون سید جمال الدین الحسینی الافغانی را در راستای

عملیاتی کردن کلمه التوحید به توحید الکه تا کید نموده و چه زیبا که صحبت از نجات مستضعفین می‌نماید.

قرائت امام خمینی از حکومت اسلامی به عنوان ولایت فقیه، سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مغزها را متحول ساخته و مرزها را در نوردیده است.

هم چنانیکه امروزحکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه کشورها را درنوردیده و مغزها را متحول ساخته و دلها را تسخیر نموده است. و می‌رود که دانشمندان و متفکرین را در دفاع از اسلام ملزم به ادای تکلیف نموده تا موانع را بر دارند و زمینه را برای انقلاب به معنی واقعی کلمه اسلامی تدارک ببینند.

این‌ها کسانی اند که حفظ، بقا و تداوم حکومت مبتنی بر اسلام را بعنوان رسالت، بر دوش علمای عامل، عرفای کامل و فقهای عادل و روندگان راه او بخصوص پیش کسوتان مبارزو عاشقان اهل بیت و اسلام نبوی زیر قیادت رهبر و ولی امر مسلمین دامت حفاظت‌ها می‌دانند.

تئوری ولایت فقیه نماد و جرعه ایست در عصر وزمان ما که جریان حرکت جامعه بشری شفاف و قابل درک تفسیر نموده و انسان به بن بست رسیده را متناسب به وضع موجود در مسیر مطلوب به تربیت گرفته و هدایت می‌کند تا سازندگی و توسعه را متناسب به اصول مبتنی بر اسلام و منافع اسلامی بیمه کند

دشمنان قسم خورده و کینه توز اسلام با حسادت از جایگاه اسلام وحسرت از موقعیت کاریز ماتیک وارثین حقیقی و عصا بنیت ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به بر اندازی نظام، تخریب تیئوری، تحریک صفوف و تضعیف اراده جمعی نموده و ابتدا به ساکن اسلام شریعت را، در برابر اسلام دیانت و ولایت عنوان نموده و به سرباز گیری پرداخته و اقدام به تربیت و انسجام گروه‌های افراطی نموده‌اند.

در کنار سر باز گیری، حمایت از شبکه‌های مربوط به گروه‌های افراطی همچون طالبان و القاعده و داعش وزیر مجموعه گروه‌های افراطی و متحجرو تکفیری، انقلاب اسلامی را نشانه گرفته و مسلمانان حقیقی و مبارزین واقعی و انقلابیون مستقل مسلمان و روندگان طریقت خمینی را در ردیف گروه‌های ترورستی تبلیغ نموده و افغانستان و عراق و سوریه و یمن و مصر و لیبی و کشورهای اسلامی را همانند پاکستان پایگاه تروریزم و دهشت افگنی در مخالفت به انقلاب اسلامی قرار داده تا تیئوری مرتبط به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه را ازدور خارج سازند.

اما اراده الهی جزء تحقق وعده الهی است تا خلافت زمین را به مستضعفین صالحی بدهد که عدل و قسط را جاگین ظلم و نابرابری می‌نماید.

وجه نیکو خواهد بود که ما و نسل ما در عصر و زمانیکه هستیم مؤمن در راه، مخلص در عمل، صادق در گفتار و رونده قافله باشیم که مأموریت اجرایی و عملی آن گره خورده به وجود ثالاه پاک رسولخدا و ذریه ابراهیم خلیل اﷺ می باشد.

جناب رئیس:

اینجانب بعنوان عضو کوچک مجمع تقریرت مذاهب اسلامی ضمن تقدیر از برگزاری نماز جماعت مشترک سال گذشته بر پیشنهاد قبلی مبنی بر انتخاب هیئتی از اعضای مجمع تقریب مذاهب اسلامی به نمایندگی از جهان اسلام و فرستادن آنها در کشورهای اروپایی و غربی و سایر بلاد دیگر، اقدام به رفع اتهامات وارده بر اسلام و مسلمین نموده و به اتهام و شبهه ساخته و پرداخته دشمنان اسلام است به پردازند. زیرا این امکان میسر است که مجمع تقریب مذاهب اسلامی به نمایندگی از جهان اسلام اتهام وارده را منتفی سازند. انشا اﷻ زیرا از شان اسلام که دین تمامی انبیاء الهی است، بدور است. و برای پیروان ادیان الهی است که به نسبت اتهام های وارده بر دین انبیایشان، عکس العمل نشان داده بر تعهد و میثاقشان نسبت به پیامبران شان وفا دار باشند. اینجانب یاور دارم که اعزام نمایندگان تقریب در راستای سرعت بخشیدن به آرمان انقلاب اسلامی مفید و مؤثر خواهد بود. انشا اﷻ.

والسلام و علیکم و رحمت اﷻ و برکاته

محمد رحیم افضل